

کلیات
دیوان ارمغان راهی
(جلد دوم)

اثر طبعی:
عبدالهادی کاویانی راد

سرشناسه	:	کاویانی راد، عبدالهادی، ۱۳۰۷
عنوان و نام پدیدآور	:	کلیات دیوان ارمغان راهی / اثر طبع عبدالهادی کاویانی راد؛ ویراستار صدیقه جابری
مشخصات نشر	:	شیراز: نوید شیراز، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	:	ج. ۲
شابک	:	دوره: ۷-۸۳۰-۱۹۲-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۱: ۰-۸۲۶-۱۹۲-۶۰۰-۹۷۸؛ ج. ۲: ۷-۸۲۷-۱۹۲-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیفا
مندرجات	:	ج. ۱. گلشن صفا - ج. ۲. گلزار ادب - گلریز معنوی (رباعیات) - لاله‌زار بهاران
موضوع	:	شعر فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	:	Parsian poetry -- 20 th century
رده‌بندی ۲ گره	:	۱۳۹۷ ک ۸/۸۳۵۸ PIR
رده‌بندی دیوپی	:	۱/۶۲ فا ۸
شماره کتابشناسی	:	۵۱۷۹۲۹۹



کلیات دیوان ارمغان راهی (جلد دوم)

اثر طبع: عبدالهادی کاویانی راد

حروف‌نگار و صفحه‌آرا: ندا گزینی □ ویراستار: صدیقه جابری

طرح جلد: کانون آگهی و تبلیغات سی‌راه □ تیراژ: ۱۰۰۰ جلد □ چاپ اول: ۱۳۹۷

لیتوگرافی و چاپ: واصف □ حق چاپ: محفوظ

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز- تلفن ۶۲-۶۶۶۱۳۲۲۶۶۱-۳۲۲۶۶۶۷۱-۰۷۱

دفتر تهران- تلفن ۴۵۹۴۵۸۸۹۰-۸۸۹۲۱۵۲۲-۰۲۱

پست الکترونیکی: navideshiraz.pub@gmail.com

وب سایت: www.navideshiraz.com

ISBN: 978-600-192-827-7

شابک: ۷-۸۲۷-۱۹۲-۶۰۰-۹۷۸

شابک دوره: ۷-۸۳۰-۱۹۲-۶۰۰-۹۷۸

دوره دو جلدی ۱۵۰۰۰۰ تومان

فهرست اشعار جلد سوم

صفحه	عنوان
۱۱.....	بخش اول / گلزار ادب (حکایات، نصایح، پند و اندرزها)
۲۲۷.....	بخش دوم / گلریز معنوی (رباعیات بر وزن رباعیات حکیم عمر خیام)
۵۱۹.....	بخش سوم / لاله‌زار بهاران (رباعیات بر وزن رباعیات باباطاهر عریان)

سپاس بی‌کرا خداوند مَنّان را سزاوار است که انواع نعمت‌های بی‌شمارش را بر این مرامی بشمارد ارزانی داشته و سهم هر کسی از انسان و موجودات کل شیئی را مایه و مقدور فرموده و آنچه را که شایسته و درخور هرکه بود، نصیب و فرموده و دره نامحدود و بی‌آلایش به روان تابناک منجی عالم بشری و بی‌پهل و نادانی، سرور کائنات و خلاصه موجودات حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله (ص) و ائمه طاهرین و معصومین که برای رهایی بشر از هدیه ختم و کوششی دریغ نفرموده اند و تا حد از خودگذشتگی از راه ضلالت و راهی رهایی بخشیده اند و به صراط مستقیم دعوت و راهنمایی کرده اند و راه بعد، خداوند متعال لطف و مرحمت بی دریغ خود را درباره این کمتر از غیر مبذول فرموده که مجموعه این نگاشته‌ها را جمع‌آوری کرده‌ام و در طبق اخلاص گذاشته‌ام که به دسترس دوستان و آیندگان بگذارم و هم‌اکنون که جلد اول ارمغان راهی به نام گلشن صفا با الطاف الهی به پایان رسید، به نگاشتن جلد دوم که به نام گلزار ادب نام‌گذاری شده است، مشغول شدم و انتظار کمک و راهنمایی از یکتای بی‌همتا دارم که عنایت حضرتش

را دریغ نفرماید و بلکه از اراده خود در تألیف این کتاب محروم نگردم، باشد که مورد قبول درگاه رب العزت واقع شود. اما بعد، دانشمندا هرگاه از درخت دانش علم و ادب میوه ای نصیب و قسمت شد، بدان و آگاه باش که در هر بلاد و قصبه و شهر و روستا و در هر جای و مکان و معبر و راهها و گذرگاهها هر شخصی یا فردی را که بنگری با دیده تحقیر بر وی مگر و با دیده بصیرت به خلق الله نظاره کن و از وی سؤال کن تا وی فرما و اگر به چندی نابخردان برخورد کنی چه بسا می شود که به سرافان گوهر دریای معانی رسیده ای و از تشرّف حضور آنان به فیوضات معنوی به عزّت و شرف جاودانه مقرون شده ای و آن گوهری را که پیوسته در حسد و جوی و بی بودی در نزد همان فرد مورد نظر بوده باشد و با آنال به حصول و مراد خود نائل شوی و زنهار بهره یز از تحقیر کردن مخلوق خدا بر آس که باشد و در خود نگریستن و به خودپسندی و بی نیازی که باعث «خدا درگاه حضرت احدیت، العیاذالله، واقع نشود.

گر که داری دیدگان پر گهر
در خدای از خویشتن بهتر نگر
و خداوند جلّ شأنه چون بنای خلقت بشر را بر مین، از قدرت کامله خود دل را در نهاد بشر جای داده و مانند لؤلؤ شاه بازی در مخزن نهان فرموده و در آن اسرارها و راز بی شمار قرار داده و کائنات و معرفت و حتی مکان لامکانی خود فرمود و به راهنمایی دل می باشد که انسان به راه نیک مایل و از رفتار رذیله متنفر می شود و با راهنمایی همین دل است که به طرف تمایلات و شهوات نفسانی رفته و خود را در منجلاب فساد و دردهای عظیم گرفتار می کند و نیز با احسان و لطف خدا و با اتکاء عقل و فهم و سعادت دل انسان را به راه شایستگی که آخر و عاقبت آن رستگاری است، هدایت می نماید و از چاه ضلالت گمراهی به

جنت‌النعیم جاودان می‌نماید و بنابراین انسان اگر فهمیده و سنجیده و دارای فیوضات و اهل اسرار معانی و اهل الله و در سلک اربابان هوش باشد در بیابان هستی از سوی قضا و قدر دو راه تعیین شده که یکی به طرف راست و دیگری به جانب چپ است و طریق راست به جانب ثواب و نیکی و سعادت ابدیت و طریق چپ به سوی معصیت و بدی و در پایان به بدبختی دنیا و آخرت است و هرگاه عملی را خواستی انجام دهی، باید با راهنمای دانش از دل بخواهی و اگر دل خداوند در وی مکان داشته باشد تو را از آیهال نفسانی و وسوسه شیطانی‌های بخشد که ارتکاب آن حسرت و ندامت را تأسف خواهد بود و هرگاه دل، تو را از رفتار منهی نهی و به سوی شایستگی سوق داد، باعث خیر دنیا و آخرت و رضایت حضرت پروردگار است

خدایی کاو نهان باشد در نیل

دا آید از قدرت آفریده

چو زر اسرار خود در وی نهادهست

بود آینه پاک و حمیده

و خداوند طبایع هر فردی را که خلقت فرمود آنچه را که درخور شأن و لیاقتش بود برای وی مقدر فرموده و بسا هستند که می‌خواهند استعداد عقل و بینش خود را به کار اندازند؛ ولی به واسطه نداشتن نعمت واد و خواندن و نوشتن و غیره از این فیض گران بها محروم به‌آوردند و بسیاری از افراد هستند زمانی را که بخواهند طیر دانش و معلومات را از قفس بدن‌ها می‌کنند و از دانش و علم نصیبی می‌بردند و نیز از معرفت کامیاب می‌شوند و تا کرات ماه و مریخ و غیره را طی می‌کنند و از راز نهان و اسرار پنهان اطلاعاتی به‌دست می‌آورند در این صورت فرصت به این اندکی و اوقات بدین گرانی را انسان باید غنیمت شمرده و خود را از

این نعمت شایسته محروم نگرداند و پیوسته برای کسب دانش و تعلیم و تربیت روح و بدن سعی کند و نهاد خویش را از نور دانش منور و مزین گرداند تا هرگاه مشکلی را که در کارهای بشر به وجود آید از طریق عقل و معرفت آسان نموده و در عقاید و آمال مردمان و مقاصد آنان مردد نماند.

گر می‌طلبی سعادت امروز

آینده خود نمای پیروز

وسعت جو تو راست کن پس انداز

نوری ز برای ظلم افروز

ز آسایش مگذر تا لب گور

پیوسته بکوش و دانش آموز

زمانی را که غواص بدان یافن در شاهوار به دریای ژرف شناور

می شود و ای بسا درمی که در هدف نهان است به دست آورده و پس از

شناسایی و تشخیص بهادر و بی بها از دیگری جدا می کند و بی بها را

به دور می اندازد و پربها را که با وزن خرد بسجید در مخزن نگهداری

می کند و در حفظ و حراست آن می کوشد. پس بیابا مانند آن غواص

کلاماتی را که از اشخاص می شنود مثل همان در شاهوار شناسایی کند و

در میزان خرد بسنجد و پس از تشخیص دادن سخن در بها آن را در

کانون قلب خود ذخیره کند و نیز هر سخنی دارای معانی است از اسماء

الهی و نام های سماوی و شهرها و قصبات و روستاها و الفاظ مخلوق و

لغات و نکات مشکل و غیرمشکل را، چه ماضیان و قدیمیان بدون جهت و

بدون معنا نفرمودند، معنا و مفهوم آن را بسنجد و سبک وزن و بی بها را

به دور اندازد و گران بهای عالی مقدار را که شایسته نگهداری است

همچون زر در گنجینه سینه خود ذخیره فرماید که در روز تنگی به کار آید و هرگاه دانش به منتهای آخر رسد، به مقصد و منظور دنیوی و اخروی خواهد رسانید؛ اما به شرط اینکه گران کلام سخن را در نزد کسانی که اهل آن نباشند به معرض دید مگذاری و فقط باید در خدمت صرّاف سخن سنج ارائه دهی و به دست وی بسپاری که همچون زر قیمت گران را با دیده حقارت نگریسته و به ناهلان ارائه دهد.

نگرد ای دلا گرد هر خار و خس

رفیق عتیقی به دست آر و بس

به نا اها سخن سخن آتش است

ولی نزد صرّاف با ارزش است

و اما، آرزومند که اظهارات عاجزانه این حقیر هرچه سریع تر در خدمت ارباب سیر و فضل و معرفت درج قبول واقع شود و یادآور می شوم جلد اول این دیوان، گلشن صدخانه، اما توحید و مدایح و قصاید و غزلیات است، تمام کردم و اینک جلد دوم به نام گلزار ادب، که مشتمل بر حکایات و روایات و نصایح و پند و اندرز است، شروع کرده ام و از خداوند متعال یاری و فرصت می طلبم که به این اثر نیز چیز عنایت فرموده تا آن را با توفیق و سعادت به اتمام برسانم که از حسن و احسان فیض و سعادت محروم نباشم.